نور خوزستان

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی صبح خوزستان

صاحب امتیاز: سیدمحمدطاهر موسوی زاده / مدیرمسئول و سردبیر: حسین حسین نژادیان / دبیرصفحات: محمد کاظم حاج سردار

نشانی: اهواز، امانیه، خیابان انقلاب، بین سقراط و دزکوچه رشیدی پلاک ۸ - مجتمع مطبوعاتی نور تلفن: ۴-۳۳۳۶۳۶۹۳ و ۲-۳۳۳۳۰۳۳۱

نمابر: ۳۳۳۶۳۶۹۱ /کدپستی: ۶۱۳۳۸۶۳۷۴۳ / واتس اپ: ۰۹۳۷۳۲۹۳۵۶۹

آیین نامه اخلاق حرفه ای: آیین_ نامه _اخلاق_ حرفه ای/www.NoorDaily.ir لیتوگرافی و چاپ: نشر فرهنگ اهواز

نور خوزستان آنلاین: www.NoorDaily.ir روابط عمومی: NoorDaily@yahoo.com

اذان صبح فردا: ۰۵:۱۵ طلوع: ۰۶:۳۶ اذان ظهر: ۱۱:۵۹ غروب آفتاب: ۱۷:۲۲ اذان مغرب: ۱۷:۴۰ نیمه شب: ۲۳:۱۸

بهبهان	۷-دقیقه	ماهشهر، بندرامام	۲/۱۵-دقیقه	خرمشهر و جزیره مینو	۲ + دقیقه
ایذه	۴-دقیقه	رامشیر، نفت سفید	۲-دقیقه	بستان	۲/۵ + دقیقه
باغملک، هندیجان، هفتکل، امیدیه، آغاجاری	۳/۵-دقیقه	لالی	۱/۵-دقیقه	هویزه، اندیمشک، دزفول	۲ + دقیقه
رامهرمز، اندیکا	۳-دقیقه	شوشتر، شادگان	۱-دقیقه	شوش دانیال، آبادان، سوسنگرد	۱/۵ + دقیقه
مسجدسلیمان	۲/۵-دقیقه	گتوند، ملاثانی	۰/۵-دقیقه	حمیدیه، سردشت دزفول	۰/۵ + دقیقه

آمریکا:

ایران در زمره قدرت‌های نوظهور فضایی قرار دارد

گزارش اطلاعاتی جدید آمریکا نشان می‌دهد ایران در کنار توسعه برنامه فضایی خود، به ابزارهایی دست یافته که می‌توانند برتری نظامی واشنگتن در منطقه را به چالش بکشند.

گزارش اطلاعاتی آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا (DIA)، وابسته به پنتاگون می‌گوید با وجود آنکه آمریکا تأسیسات کلیدی مرتبط با برنامه فضایی ایران را بمباران کرده است، این کشور همچنان از سوی نهادهای اطلاعاتی آمریکا به‌عنوان یک قدرت فضایی «نوظهور» ارزیابی می‌شود.پایگاه آکسیوس، وابسته به دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی با استناد به این گزارش محرمانه نوشت آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا فاش کرده است که ایران در جریان جنگ اخیر اقداماتی تهاجمی علیه توانمندی‌های فضایی آمریکا انجام داده است.بر اساس ادعای این سازمان ایران چندین سامانه اخلالگر زمینی در اختیار دارد که می‌توانند عملکرد سامانه موقعیت‌یاب جهانی (GPS) مبتنی بر ماهواره را مختل و تضعیف کنند.

وزارت حمل‌ونقل آمریکا در ماه سپتامبر هشدار داده بود که اختلال در سامانه‌های ناوبری جهانی در تنگه هرمز «قابل توجه» است.



مقام‌های آمریکا همچنین از به‌کارگیری اطلاعات فضایی از سوی ایران برای هدف قرار دادن دقیق‌تر مراکز و تأسیسات نظامی مهم ابراز نگرانی کرده‌اند. در همین حال برد کوپر، فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، در ماه مارس مدعی شده بود که ارتش آمریکا برتری فضایی را در برابر ایران به دست آورده است؛ این ادعا پس از حمله به فرماندهی فضایی ایران مطرح شد.

اما به نوشته آکسیوس برخی تحلیلگران دفاعی آمریکا درباره این ادعا تردید دارند؛ زیرا ایران همچنان از توانمندی‌های جنگ الکترونیک و سامانه‌های اخلالگر برخوردار است. تاد هریسون، کارشناس هوافضا در اندیشکده امریکن اینترپرایز، گفت: «اگر ایران بتواند توانمندی‌های فضایی آمریکا را مختل کند، پس ما برتری فضایی بر این کشور نداریم.» کاری بینگن، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS)، نیز در گفت‌وگو با آکسیوس اظهار داشت که ایران «توانمندی‌هایی دارد که استفاده ما از فضا را با چالش مواجه می‌کنند». آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا هشدار داده است که ایران در حال پیگیری برنامه‌های فضایی نظامی و غیرنظامی خود با هدف «افزایش اعتبار و جایگاه ملی، توسعه اقتصادی و نوسازی توانمندی‌های نظامی» است. در گزارش این آژانس همچنین آمده است که ایران «بر بهبود مقاومت سامانه‌های هدایت و ناوبری در برابر حملات الکترونیکی متمرکز شده است». آکسیوس در پایان این گزارش نوشته : ارتش آمریکا در نهایت در حوزه فضایی بر ایران برتری دارد اما توانمندی‌های ایران در عرصه زمینی در حال کاهش فاصله و برهم زدن موازنه قدرت در این حوزه است.

تاد هریسون در این‌باره گفت: «اعلام برتری فضایی در این درگیری، تا حدی شبیه آن است که کشوری ادعای برتری هوایی کند، در حالی که طرف مقابل همچنان قادر است به‌طور مستمر هواپیماهایش را سرنگون کند.»

انتقاد صریح شهردار نیویورک‌از جنگ علیه ایران؛ پایان جنگ باید در اولویت دموکرات‌ها باشد



زهران ممدانی شهردار نیویورک در گفت‌وگو با شبکه خبری ان‌بی‌سی آمریکا، با تاکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ علیه ایران، این جنگ را غیرقانونی و از نظر سیاسی، اقتصادی و اخلاقی غیرقابل دفاع دانست و خواستار قرار گرفتن توقف آن در صدر برنامه‌های حزب دموکرات شد.

به گزارش ایرنا، زهران ممدانی شهردار نیویورک در گفت‌وگوی با شبکه خبری ان‌بی‌سی آمریکا، با تاکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ علیه ایران، این جنگ را غیرقانونی و از نظر سیاسی، اقتصادی و اخلاقی غیرقابل دفاع دانست و خواستار قرار گرفتن توقف آن در صدر برنامه‌های حزب دموکرات شد.

این سیاستمدار آمریکایی در بخش از این گفت‌وگو، در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات اخیر جی‌دی ونس و نقش جنگ علیه ایران در شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان، بر ضرورت قرار گرفتن ، پایان دادن به این جنگ در صدر برنامه‌های دموکرات‌ها تاکید کرد.

ممدانی با غیرقانونی خواندن جنگ علیه ایران گفت: این جنگ نه‌تنها از نظر قانونی، بلکه از منظر سیاسی، اقتصادی و اخلاقی نیز باید مورد مخالفت قرار گیرد و مردم آمریکا موضع خود را در این زمینه به‌روشنی اعلام کرده‌اند.

وی با انتقاد از موضع‌گیری معاون رئیس‌جمهور آمریکا درباره پیامدهای انتخاباتی جنگ افزود: خواندن اظهارات ونس طعنه‌آمیز است؛ گویی او درباره اقدامات دولت دیگری صحبت می‌کند، در حالی که وی معاون رئیس‌جمهور آمریکاست، نه صرفا یک مفسر در فضای مجازی.

ممدانی ادامه داد: باید این واقعیت را در نظر گرفت که جنگ علیه ایران را دولت آغاز کرده است و بنابراین، خودشان نیز می‌توانند به آن پایان دهند.

وی در پایان تاکید کرد: اگر مقام‌های دولت آمریکا معتقدند جنگ علیه ایران در شکست سیاسی جمهوری‌خواهان نقش داشته است، چرا برای پایان دادن به آن دست به اقدام نمی‌زنند؟

ممدانی در این مصاحبه، در پاسخ به پرسشی درباره پیام انتخابات اخیر میان‌دوره‌ای آمریکا برای سیاستمداران این کشور گفت: نتایج انتخابات نشان داد که مردم آمریکا از سیاستمدارانی که خواسته‌های آنها را غیرواقع‌بینانه می‌دانند، در حالی که با ثروتمندترین افراد کشور در ارتباط و معامله هستند، خسته شده‌اند.وی با اشاره به درخواست جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا، از مردم برای اعطای ۲ سال فرصت بیشتر به دولت افزود: مردم آمریکا نمی‌توانند ۲ سال دیگر منتظر بمانند؛ آنها باید اجاره خانه خود را در ابتدای ماه پرداخت کنند، هزینه مواد غذایی را همین امروز بپردازند و در طول هفته برای نگهداری از فرزندانشان برنامه‌ریزی کنند.ممدانی درباره ماموریتی که رای‌دهندگان به حزب دموکرات واگذار کرده‌اند، اظهار داشت: این ماموریت در درجه نخست، تلاش برای حل بحران هزینه‌های زندگی است که مردم سراسر آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است. همچنین باید به جای ساخت بمب، مدرسه ساخت و به اعتمادی که رای‌دهندگان طبقه کارگر به دموکرات‌ها کرده‌اند، پاسخ داد.

وی در ادامه، در پاسخ به پرسشی درباره احتمال استیضاح دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، برای سومین بار و موضع خود در قبال این موضوع گفت: از هر اقدامی در کنگره حمایت می‌کنم که به تغییرات ملموس در زندگی مردم آمریکا منجر شود و آنها بتوانند آثار آن را در وضعیت مالی و قدرت خرید خود احساس کنند. همچنین باید با فساد ریشه‌داری که مدت‌هاست در واشنگتن وجود دارد، مقابله کرد.ممدانی درباره احتمال نتیجه معکوس تلاش دموکرات‌ها برای استیضاح ترامپ نیز گفت که در اظهارات افرادی که طی ۲۴ ساعت گذشته درباره این موضوع صحبت کرده‌اند، استیضاح به عنوان یک برنامه مشخص مطرح نشده و آنچه بیش از همه مورد تاکید قرار گرفته، ضرورت اقدام فوری و متناسب با انتظارات مردم آمریکا بوده است.وی با اشاره به موضوعاتی همچون مراکز داده، تعرفه‌های تجاری و تداوم تامین مالی نقض قوانین بین‌المللی در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه فلسطین و ایران، تصریح کرد که این مسائل باید مورد رسیدگی قرار گیرند.به گزارش ایرنا، جی دی ونس روز چهارشنبه ۱۳ آبان پس از شکست حزبش در انتخابات میان‌دوره‌ای در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که دلیل باخت جنگ علیه ایران است. همچنین با استناد به یک نظرسنجی، به طور ضمنی رابطه با رژیم اسرائیل را نیز از دلایل شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای توصیف کرد.

ونس در پیامی در این شبکه اجتماعی عنوان کرد: دلیل اصلی شکست ما برای تقریبا همه آشکار است. یک متخصص نظرسنجی متوجه شد که بسیاری از کسانی که قصد داشتند در سال ۲۰۲۴ به ترامپ رای دهند، خشمگین هستند و تصمیم گرفته‌اند به دموکرات‌ها رای بدهند.

معاون رئیس جمهوری آمریکا افزود: او از آن دسته رای‌دهندگانی که از ما روی برگردانده بودند پرسید چه چیزی باعث می‌شود دوباره به جمع ما بازگردند. وی چهار عامل اصلی پایان دادن به جنگ، تغییر رابطه آمریکا با رژیم اسرائیل، تمرکز بر هزینه‌های زندگی و تورم و اولویت دادن به آمریکا را پاسخ‌های اصلی رای‌دهندگان دانست.

ونس در ادامه خاطر نشان کرد: دلیل شکست ما، جنگ است. خود رئیس‌جمهور هم همین را گفت.

جنگ علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز چه پیامدهایی بر اقتصاد جهان داشته است؟



پس از جنگ آمریکا علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز، اقتصاد جهان با مشکلات مختلفی روبه‌رو شده است که می‌توان به افزایش قیمت انرژی، مواد غذایی و... اشاره کرد. کارشناس‌ها در این باره توضیحاتی دادند.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ خبرگزاری‌های مختلف دنیا خبر شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات آمریکا را مخابره می‌کنند و ترامپ مجبور به یک اعتراف می‌شود و این که مردم آمریکا تحمل قیمت بالای بنزین را نداشتند؛ تحملی که رییس‌جمهور آمریکا از آن صحبت کرده قیمت بنزینی است که در طول ۱۱ ماه، بعد از شروع تنش‌های او با ایران این طور آشکار شده است.

قیمت بنزین در فوریه ۲۰۲۶ هر گالن ۴ دلار را نشان می‌داد و امروز، قیمت هر گالن بنزین به حدود ۸ دلار رسیده و هر گالن گازوییل نیز، ۹ دلار را رد کرده است و بدنبال آن، اعتراض‌هایی شکل گرفت و مردم آمریکا، دموکرات‌ها را به جمهوری‌خواهان ترجیح دادند و اندیشکده‌های بانکی آمریکایی پیش‌بینی‌های خود درمورد افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۲۷ را به‌روزرسانی کردند.

موج نارضایتی‌ها که اروپایی‌ها را در بر گرفته بود انگلیس را هم به جیره‌بندی کشانده؛ به طوری‌که بر اساس نظرسنجی‌ها، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار بریتانیایی قصد دارند زمستان امسال، سیستم گرمایشی خانه‌هایشان را به دلیل هزینه بالای انرژی روشن نکنند و بسته شدن تنگه هرمز، کام ساکنان حاشیه خلیج فارس را به حدی تلخ کرده است که یکی یکی اخبار کاهش درآمدها و عقب‌گردهای اقتصادی آن‌ها منتشر می‌شود.

داوود منظور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه گفت: امروز، انتخابات آمریکا نشان داد که مردم آمریکا درمورد سیاست‌های ترامپ به شدت نگران هستند و طبیعی است آن چه بیش از همه برای مردم آمریکا اهمیت دارد معیشت، زندگی و هزینه‌های اقتصادی است.

مردم آمریکا تنها چیزی که برایشان مهم است رفاه اقتصادی است و آمریکا عملاً همه دنیا را برای منفعت خودش می‌خواهد و آمریکا سیاست‌های خصمانه‌ای درمورد جمهوری اسلامی ایران و حمله‌به کشور داشته است که ما به خوبی توانسته‌ایم این هزینه‌ها را به سفره آمریکایی‌ها منتقل کنیم. یعنی نه تنها آمریکایی‌ها نتوانسته‌اند از نظر سیاسی، به تغییر رژیمی که مدنظر آن‌ها بوده است دست پیدا کنند بلکه آن چه که خودشان کاشته بودند را درو می‌کنند و هزینه‌هایی که می‌خواستند به مردم کشور ایران تحمیل کنند به مردم این کشور سرازیر شده است و پاسخی که امروز مردم آمریکا در انتخابات داده‌و دو مجلس را جمهوری‌خواهان از دست داده‌اند و دموکرات‌ها توانستند که مجلس را در دست بگیرند.

منظور ادامه داد: در این سال‌ها که ترامپ ریاست‌جمهوری آمریکا را برعهده داشته است مردم این کشور درمورد سیاست‌های خارجی، نظامی، تعرفه‌ای و اقتصادی آمریکا اعتراض داشته‌اند و طبیعی است که امروز با این رأی، نارضایتی خود از نوع حکمرانی ترامپ را نشان دادند.

ترامپ قول داده بود که وضع اقتصاد آمریکا را بهتر می‌کند و تورم در این کشور را کاهش می‌دهد و عملاً این اتفاق برعکس شد؛ به طوری که تورم و نرخ بهره در آمریکا بالا رفته و میزان بدهی‌های دولت به شدت افزایش پیدا کرده است و روابط اقتصادی آمریکا با همه دنیا به شدت آسیب دیده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه گفت: تعرفه‌گذاری‌های یک‌طرفه‌ای که ترامپ انجام داده باعث شده است که هزینه واردات کالاها به آمریکا به مردم آمریکا منتقل شود و جنگی که علیه ایران اتفاق افتاد نتیجه‌اش به هم خوردن بازارهای جهانی انرژی بود و این جنگ باعث شد که قیمت‌های نفت تا حدود ۱۲۰ دلار افزایش پیدا کند و شاهد تورم و رکود جهانی هستیم.منظور بیان کرد:، مردم آمریکا به قیمت بنزین حساس هستند. زیرا حمل و نقل آن‌ها عمدتاً جاده‌ای است و با توجه به بسته شدن تنگه هرمز و جنگی که اتفاق افتاد موضوع افزایش قیمت حمل و نقل در آمریکا به شدت احساس می‌شود و با افزایش قیمت کود شیمیایی، هزینه‌های تولید مواد غذایی نیز، بالا رفته است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه گفت: تغییر در ترکیب دو مجلس آمریکا لزوماً به معنی تغییر دفعی و آنی در سیاست‌های آمریکا نیست. زیرا در این کشور، رییس‌جمهور، فرمانده کل قواست و تصمیم‌گیری‌های نهایی در موضوعات جنگ بر عهده اوست. البته کنگره و سنا می‌توانند با وضع قوانین و اعمال نظارت‌ها، محدودیت‌هایی را برای رییس‌جمهور به وجود آورند، امّا باید بپذیریم حتی اگر کنگره و سنا نیز در اختیار جمهوری‌خواهان نباشند رییس‌جمهور آمریکا اختیارات ویژه خودش را دارد و می‌تواند مصوبات سنا را وتو کند و عبور از وتوی رییس‌جمهور آمریکا نیاز به حداقل دو سوم آرا دارد و نتیجه انتخابات امروز، به زودی تأثیر خود را نمی‌گذارد، امّا آمریکایی‌ها ناگزیر هستند که قیمت انرژی را مدیریت کنند و اگر شرایط بسته بودن تنگه هرمز ادامه پیدا کند، می‌تواند قیمت‌های ۱۵۰ دلار را رقم بزند.

بابک اسماعیلی، کارشناس اقتصاد بین‌الملل گفت: تا قبل از جنگ، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام، میعانات و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز عبور می‌کرد و این میزان، معادل حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت و حدود ۲۵ درصد تجارت دریایی نفت جهانی است که مقصد ۸۰ درصد از این نفت عبوری، کشورهای آسیایی هستند و اتفاقی که بعد از جنگ اخیر افتاد، شوکی را در عرضه نفت داشته‌ایم که بزرگ‌ترین اختلال تاریخی بازار جهانی بوده است و بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، در شرایط عادی پیش از جنگ، حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت خام و ۵ میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز عبور می‌کردند، امّا بعد از بسته شدن تنگه هرمز شاهد کاهش تولید کشورهای خلیج فارس در مقایسه با قبل از جنگ بوده‌ایم و این موضوع باعث شده است که هم بر بازسازی ذخایر نفتی جهانی تأثیر بگذارد و هم بر اقتصاد کشورهای مختلف تأثیر داشته باشد.

اسماعیلی ادامه داد: یکی از خطرناک‌ترین پیامدهایی که جنگ اخیر برای اقتصاد جهانی و آمریکا داشته ترکیب دو پدیده بوده است؛ افزایش تورم به دلیل رشد هزینه انرژی و مواد اولیه و دیگری، کاهش رشد اقتصادی به دلیل افت قدرت خرید و سرمایه‌گذاری و تولید که تأثیر جنگ صرفاً ایجاد بحران نفت نبوده است.

این کارشناس اقتصاد بین‌الملل ادامه داد: جنگ صرفاً بر بحران نفت تأثیر نگذاشت حتی بر تأمین زنجیره جهانی نیز تأثیرگذار بوده است و علاوه بر نفت، سه زنجیره مهمی که جنگ روی آن ها تأثیر گذاشت؛قطع گاز طبیعی و LNG بوده است که این اختلال در صادرات LNG به ویژه صادرات در قطر و امارات باعث شد که قیمت گاز در اروپا افزایش پیدا کند و هزینه تولید برق در کشورهای واردکننده بالا برود و صنایع شیمیایی مثل فولاد، سیمان و پتروشیمی نیز، تحت ت‌أثیر این جنگ قرار بگیرند.

در چنین شرایطی، کشورهایی که ذخایر گاز کافی ندارند ممکن است که مجبور شوند انرژی را با قیمت بالاتر خریداری کنند و یا این که ناچار شوند برخی از فعالیت‌های صنعتی خود را کاهش دهند و پیامدهای زنجیره ای که این موضوع داشته باعث شده است که هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی افزایش پیدا کنند و حاشیه سود کشاورزان کاهش پیدا کند و قیمت محصولاتی مثل غلات، برنج و محصولات غذایی افزایش پیدا کنند و مهم‌تر از همه، فشار تورمی است که بر خانوارهای کم‌درآمد در دنیا به ویژه اروپا و آمریکا به وجود آمده است.

شکست در انتخابات کنگره و خشم جمهوری‌خواهان از هگست

وزیر جنگ استیضاح می‌شود؟

پس از شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، شماری از قانونگذاران و متحدان این حزب، «پیت هگست» وزیر جنگ ایالات متحده را به ایفای نقش اصلی در متقاعد کردن «دونالد ترامپ» برای حمله به ایران متهم کرده‌اند و درصدد استیضاح او در مجلس نمایندگان هستند.

به گزارش ایرنا، شبکه خبری «سی‌ان‌ان» آمریکا در مطلبی نوشت که بسیاری از قانونگذاران و متحدان حزب جمهوری‌خواه تلاش می‌کنند مسئولیت نتایج انتخابات را متوجه پیت هگست کنند و معتقدند او نقش اصلی را در متقاعد کردن دونالد ترامپ برای حمله به ایران، بدون داشتن راهبرد خروج از جنگ و برنامه‌ای برای مدیریت پیامدهای سیاسی آن، داشته است. هم‌زمان، تلاش برای استیضاح هگست در مجلس نمایندگان آمریکا در دستور کار قرار گرفته و احتمال می‌رود این موضوع هفته آینده به رأی گذاشته شود.در همین حال، توماس مَسی نماینده جمهوری‌خواه ایالت کنتاکی به سی‌ان‌ان گفته است که



قصد دارد با بازگشت کنگره در هفته آینده، طرح استیضاح هگست را به جریان بیندازد.

چند منبع جمهوری‌خواه نیز پیش‌بینی کرده‌اند که این طرح به تصویب برسد.به نوشته این شبکه، این تلاش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که راهبردپردازان جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان و سنا، در محافل خصوصی اذعان کرده‌اند که مشکلات حزب فراتر از جنگ با ایران بوده و به شکست‌هایی در ابعاد شکست انتخاباتی سال ۲۰۰۸ منجر شده است؛ موضوعی که جبران آن‌ها سال‌ها زمان خواهد برد.

با این حال، رهبران حزب جمهوری‌خواه آمریکا و بسیاری از اعضای آن همچنان از مقصر دانستن مستقیم ترامپ خودداری می‌کنند.

جنگ ایران به باتلاق آمریکا تبدیل شد/هگست توهم پیروزی سریع را ایجاد کرد

بر اساس این گزارش، چندین نماینده جمهوری‌خواه به سی‌ان‌ان گفته‌اند که هگست، به‌عنوان یکی از حامیان سرسخت جنگ، درمورد توانایی آمریکا برای پیروزی سریع و آسان در این درگیری اغراق کرده است. آنان همچنین او را متهم کرده‌اند که با وجود نبود نشانه‌های کافی از نزدیک شدن ایران به تسلیم در نتیجه ادامه بمباران‌ها، همچنان از تشدید درگیری‌ها حمایت می‌کند.

به گفته این نمایندگان، جنگ به «باتلاقی» تبدیل شده که آمریکا را به مدتی نامعلوم در خاورمیانه گرفتار کرده، بحران هزینه‌های زندگی را تشدید کرده و به اعتراض انتخاباتی رأی‌دهندگان علیه جمهوری‌خواهان منجر شده است.جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز روز چهارشنبه در اظهارنظری کم‌سابقه گفت که «دلیل شکست ما، جنگ است»؛ هرچند مسئولیت مشخصی را متوجه هیچ فردی نکرد.

یک مقام ارشد سابق پنتاگون در این باره گفت که تغییر موضع درباره جنگ و هگست آغاز شده است. وی افزود: «این اقدام در درجه اول با هدایت وزارت جنگ انجام شده است، چرا که شما تصمیم گرفتید برای حل‌وفصل یک مساله سیاست خارجی، به اقدام نظامی متوسل شوید.»

از سوئز تا هرمز؛ گورستان رؤیاهای دو ابرقدرت غربی



بحران کنونی تنگه هرمز شباهت‌های مهمی با بحران سوئز در هفتاد سال پیش دارد.

گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس- وب‌سایت تحلیلی «کانورسیشن» در مقاله‌ای به قلم یکی از پژوهشگران خود، با بررسی شباهت‌های بحران کنونی تنگه هرمز و بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، به این پرسش پرداخته است که آیا تحولات امروز نیز می‌تواند نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در جهان و محدود شدن توانایی قدرت‌های بزرگ برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی خود باشد؟این مقاله با یادآوری شکست بریتانیا و فرانسه در ماجرای سوئز و افول جایگاه جهانی لندن پس از آن، استدلال می‌کند که بحران هرمز نیز بار دیگر شکاف میان قدرت نظامی و توان اقتصادی کشورها را آشکار کرده و پرسش‌هایی جدی درباره محدودیت‌های قدرت آمریکا مطرح ساخته است.

نویسنده مقاله معتقد است بحران کنونی تنگه هرمز شباهت‌های مهمی با بحران سوئز در هفتاد سال پیش دارد. در آن زمان، دولت مصر به ریاست جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد.این آبراه راهبردی که دریای سرخ را به دریای مدیترانه متصل می‌کرد یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال کالا و نفت میان اروپا و آسیا بود.مصر پس از تکمیل ساخت کانال در سال ۱۸۶۹، مالک ۴۴ درصد سهام آن بود، اما مشکلات مالی این کشور در سال ۱۸۷۵ دولت قاهره را ناچار کرد سهام خود را به بریتانیا بفروشد. به این ترتیب، بریتانیا و فرانسه منافع اقتصادی قابل توجهی در این آبراه پیدا کردند.ملی شدن کانال از سوی مصر، این دو قدرت اروپایی را به همراه اسرائیل به حمله نظامی علیه مصر واداشت تا کنترل آن را دوباره به دست بگیرند.با این حال، این عملیات با شکست مواجه شد و محکومیت جامعه جهانی را در پی داشت. بحران سوئز در نهایت به نمادی از افول قدرت جهانی بریتانیا تبدیل شد و نشان داد که برخورداری از توان نظامی لزوماً به معنای توانایی پیشبرد مستقل اهداف سیاسی و نظامی نیست.به نوشته کانورسیشن، بریتانیا در آن مقطع با وجود برخورداری از قدرت نظامی قابل توجه، به دلیل ضعف اقتصادی و فشار بر ارزش پوند، برای ادامه اقدامات خود به حمایت مالی آمریکا وابسته بود. همین وابستگی، دست لندن را برای ادامه عملیات نظامی بست و محدودیت‌های واقعی قدرت این کشور را آشکار کرد.

یکی از محورهای اصلی مقاله، بررسی رابطه میان قدرت اقتصادی و جایگاه ژئوپلیتیکی کشورهاست.نویسنده برای توضیح این رابطه به تعریف ویلیام تی. آر. فاکس، استاد آمریکایی سیاست خارجی، از مفهوم «ابرقدرت» در سال ۱۹۴۴ اشاره می‌کند. فاکس قدرت‌های بزرگ را کشورهایی می‌دانست که از ثروت فراوان، جمعیت زیاد و موقعیت جغرافیایی مطلوب برخوردارند.او در آن زمان آمریکا، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی را سه ابرقدرت جهان معرفی کرده بود، اما بعدها پذیرفت که قرار دادن بریتانیا در این فهرست اشتباه بوده است؛ زیرا این کشور در مقایسه با آمریکا و سپس دیگر کشورهای اروپایی، به‌تدریج جایگاه خود را از دست داده بود.نویسنده معتقد است امروز نیز نشانه‌هایی از تغییر مشابه در موازنه قدرت جهانی دیده می‌شود. او با استناد به معیار برابری قدرت خرید، به رشد چشمگیر اقتصاد چین اشاره می‌کند؛ کشوری که در سال ۱۹۹۰ تنها بخش کوچکی از اقتصاد آمریکا را در اختیار داشت، اما اکنون از این کشور پیشی گرفته است.مقاله همچنین به مفهوم «امتیاز گزاف» در اقتصاد بین‌الملل می‌پردازد؛ امتیازی که در قرن نوزدهم به دلیل نقش محوری پوند استرلینگ در نظام پولی جهان در اختیار بریتانیا قرار داشت. این موقعیت به لندن اجازه می‌داد بدهی‌های خود را با هزینه کمتر و نرخ بهره مطلوب‌تری تأمین مالی کند و به‌عنوان مرکز مالی پیشرو جهان نقش آفرینی کند.با افول قدرت اقتصادی بریتانیا، این امتیاز به‌تدریج به آمریکا منتقل شد و دلار جایگاه محوری را در نظام مالی بین‌المللی به دست آورد.

با این حال، نویسنده معتقد است بحران سوئز نخستین نشانه‌های جدی از محدودیت‌های اقتصادی بریتانیا را آشکار کرد؛ زمانی که ارزش پوند تحت فشار قرار گرفت و وابستگی لندن به حمایت مالی واشنگتن، توانایی این کشور برای ادامه سیاست مستقل را کاهش داد.او با مقایسه این وضعیت با شرایط کنونی آمریکا، از بروز نشانه‌هایی از فشار در نظام مالی پشتیبان قدرت این کشور سخن می‌گوید و معتقد است برتری اقتصادی واشنگتن نیز مانند گذشته بدون چالش نیست.

آمریکا و انگلیس در هرمز و سوئز

نویسنده در جمع‌بندی مقاله تأکید می‌کند که یکی از مهم‌ترین درس‌های بحران سوئز، ناتوانی رهبران سیاسی در درک به‌موقع محدودیت‌های اقتصادی جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی است. بریتانیا در سال ۱۹۵۶ با وجود قدرت نظامی خود نتوانست بدون پشتوانه اقتصادی و مالی لازم، اهدافش را در مصر محقق کند و همین بحران به آشکار شدن افول جایگاه جهانی این کشور کمک کرد.او تأکید می‌کند که آمریکا امروز با بریتانیای سال ۱۹۵۶ یکسان نیست، اما جنگ علیه ایران پرسش‌های مهمی درباره حدود قدرت واشنگتن مطرح کرده است. از یک سو، برتری اقتصادی نسبی آمریکا با رشد قدرت‌هایی مانند چین به چالش کشیده شده و از سوی دیگر، تعهدات نظامی گسترده و کاهش ذخایر مهمات، محدودیت‌های توان نظامی این کشور را برجسته کرده است.بر همین اساس، پرسش محوری مقاله این است که آیا آمریکا نیز با تغییر موازنه اقتصادی جهان ناچار خواهد شد در گستره تعهدات نظامی و حضور خود در نقاط مختلف جهان تجدیدنظر کند؟نویسنده با کنار هم قرار دادن تجربه تاریخی بریتانیا در بحران سوئز و شرایط کنونی آمریکا در بحران هرمز، این احتمال را مطرح می‌کند که تحولات خاورمیانه صرفاً یک بحران منطقه‌ای نیست، بلکه می‌تواند بخشی از روند گسترده‌تر تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل باشد؛ روندی که در آن توان نظامی کشورها بیش از گذشته به ظرفیت اقتصادی، منابع مالی و قدرت صنعتی آن‌ها وابسته خواهد بود.